

توکویل و انقلاب

نوشته دکتر محمدباقر خرمشاد

آلکسی دو توکویل در ۲۹ ژوئیه سال ۱۸۰۵ میلادی در خانواده‌ای اشرافی و به شدت سلطنت طلب در پاریس به دنیا آمد. در سال ۱۸۲۷ به مصدر قضاوت رسید و چهار سال بعد (۱۸۳۱) برای بررسی سیستم زندانهای آمریکا به این کشور عزیمت نمود. این سفر تبدیل به نقطه عطفی در زندگی توکویل گشت. طولی نکشید که قضاوت رها کرد و در سال ۱۸۳۵ نخستین جلد تحلیل دموکراسی در آمریکا را منتشر نمود. موفقیت این کتاب بعدها راهگشای توکویل گردید و عضویت او را در آکادمی فرانسه (۱۸۴۱) تسهیل نمود. در سفری دیگر توکویل به انگلستان رفت و در آنجا با جان استوارت میل ارتباط برقرار کرد. دو اثر دیگر او تحت عنوان سفر به انگلستان و اوضاع سیاسی-اجتماعی فرانسه قبل و بعد از ۱۷۸۹ (۱۸۳۶)، حاصل همین سفر او به انگلیس است. در سال ۱۸۴۰ نیز اقدام به انتشار دومین جلد تحلیل دموکراسی در آمریکا نمود. با انتشار این کتاب، توکویل آریستوکرات نشان می‌دهد که تا چه حد در جستجوی دموکراسی است. در سال ۱۸۳۹ با راهیابی به پارلمان در عمل وارد صحنه سیاسی می‌گردد. توکویل لیبرال و محافظه کار از نزدیک شاهد انقلاب فوریه ۱۸۴۸ فرانسه است؛ انقلابی که قدرت کارگران را به او می‌نماید. در ژوئن سال بعد (۱۸۴۹) وزیر خارجه فرانسه می‌گردد و در اواخر همان سال پس از کودتای ۲ دسامبر ۱۸۴۹ عمل سیاسی را برای همیشه کنار می‌گذارد و به انتشار شاهکار خود تحت عنوان انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن مبادرت می‌ورزد. برخلاف آثار قبلی، دیگر نگاه توکویل به آینده و آرزوی تحقق جامعه‌ای لیبرال و دموکرات برای فرانسه نیست. این بار او در آخرین اثر خود به کالبدشکافی گذشته تمرکز گرای فرانسه‌ای می‌پردازد که در آن هیچگاه «برابری» با «آزادی» همراهی نکرده است. و سرانجام در ۱۶ آوریل ۱۸۵۹ توکویل رخت از جهان بریست.

در میان نظریه پردازان کلاسیک درباره انقلاب (شاید بعد از ارسطو، توکویل بیش از هر کس دیگری در نظریه سیاسی خود برای پدیده انقلاب نقش اصلی قائل شده است).^۱ آنچه در درجه اول برای توکویل اهمیت داشته یافتن راهها و شرایط لازم برای رسیدن به یک رژیم سیاسی آزاد، باثبات و مشروطه بوده است. جستجوی خستگی ناپذیر

و مداوم چنین آرمانی، اندیشمند فرانسوی را وامی داشت تا در صدد یافتن علل وقوع انقلابات در جوامع برآید. در واقع او در پی یافتن پاسخ به دو پرسش اساسی بود: چرا و چگونه انقلابات پدید می‌آیند؟

چونان يك «لیبرال مادرزاد» (Libéral) و يك «دموکرات منطقی» (Natus) و يك «دموکرات منطقی» (Démocrate par Raison)،^۲ او يك آرزو بیش نداشت: برقراری دموکراسی لیبرال در فرانسه. درست به همین دلیل بود که می‌گفت: «گمان نمی‌کنم در فرانسه فردی یافت شود که کمتر از من انقلابی و بیشتر از من از آنچه که آن را روح انقلابی می‌نامند (همان که به راحتی با عشق به يك دولت مستبد قابل جمع است) متنفر باشد».^۴ با این همه هیچ يك از اینها مانع از پرداختن دانشمند فرانسوی به پدیده انقلاب و طرح نظریه خاص خود در این باره نمی‌گردد. او نه تنها انقلاب‌های فرانسه (انقلابات سالهای ۱۷۸۹ و ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸)، بلکه انقلابات آمریکای انگلیس را با حوصله هر چه تمامتر مطالعه می‌کند و به تبیین علل و روند آنها همّت می‌گمارد.

جستجوی پیوسته جامعه‌ای دموکراتیک و لیبرال که در آن «برابری» و «آزادی» در کنار هم تحقق یابد، گاه توکویل را به سمت مجموعه‌ای از توضیحات انتزاعی برای کشف و تبیین علل انقلابات و طبیعت آنها رهنمون می‌گردد. این گستردگی و تنوع تحقیق درباره انقلاب‌های متفاوت است که در نهایت به چند بعدی شدن دیدگاه توکویل درباره این پدیده سیاسی-اجتماعی می‌انجامد. عده‌ای نظریه او را از نوع نظریه‌هایی می‌دانند که نقطه تمرکز تحلیل خود را «دولت» (Etat) قرار داده‌اند.^۵ در این دیدگاه، انقلاب‌ها از نقطه نظر نقشی که در شکل‌گیری دولت یا به عبارت صحیح‌تر در تشکیل مجدد آن دارند مورد مطالعه قرار می‌گیرند. برخی دیگر معتقدند که به نظر توکویل «انقلاب زمانی پدید می‌آید که شدت ظلم و فشار رو به کاستن می‌گذارد».^۶ در حالی که تعدادی دیگر، او را بنیانگذار نظریه «توقعات فزاینده» (Aspirations Accrues / Rising Expectation)^۷ درباره انقلاب می‌دانند؛ نظریه‌ای که خود یکی از نظریه‌های روان‌شناسانه انقلاب محسوب می‌گردد.

می‌توان گفت که توکویل در مجموعه آثار خود در قالب سه رهیافت متفاوت، سه تعریف مختلف از

انقلاب ارائه می‌نماید؛ یک تعریف جامعه‌شناسانه، یک توصیف سیاسی و یک تبیین اقتصادی. در رهیافت اول، انقلاب دارای صفت اجتماعی است زیرا «انقلابات که با احساسات مردمی شکل می‌گیرند و به انجام می‌رسند بیشتر مطلوب و آرزو شده‌اند تا تدارک شده و از پیش برنامه‌ریزی شده. حتی آنانی که ادعای طرح‌ریزی انقلابات را دارند و بدان مباحثات می‌کنند، در واقع جز سود بردن از آنها کاری نمی‌کنند. انقلابها بدون هیچ برنامه‌ریزی و به‌خودی خود از نارضایتی تعمیم یافته‌روانمایی متولد می‌گردند که به ناگاه توسط یک حادثه اتفاقی و غیرقابل پیش‌بینی به یک مرحله بحرانی سوق داده می‌شوند».^۸ بدین‌سان توکویل در تعریف جامعه‌شناسانه خود از انقلاب به دو امر «تصادف» و «عادات و رسوم» چون دو عامل تعیین‌کننده در سیستم اجتماعی، اهمیت زیادی می‌دهد.

در رهیافت دوم توکویل، انقلاب پدیده‌ای است سیاسی زیرا «عملی است خشونت‌آمیز و سریع که بواسطه آن وضعیت سیاسی با وضعیت اجتماعی، اعمال با عقاید، و قوانین با آداب و رسوم تطبیق داده شده و وفق می‌یابد».^۹ همانگونه که مشاهده می‌شود، این بار توکویل علاوه بر تأکید مجدد بر اهمیت آداب و رسوم، نقش اساسی عقاید را مورد تأکید قرار می‌دهد. از این نقطه نظر، «برداشت توکویل از انقلابات برداشتی است صرفاً سیاسی. اینجا، مقاومت نهادهای سیاسی سنتی و گذشته‌گرا در مقابل جریان دموکراتیک و مدرن است که باعث انفجار در جامعه می‌گردد».^{۱۰} درست همینجاست که انقلاب تبدیل به یک تغییر ناگهانی و خشن می‌گردد، در حالی که در برداشت نخستین توکویل از انقلاب، وی کلیه تغییرات اعمال شده در قوانین یک جامعه، هر نوع تحول اجتماعی و هر گونه جانشینی اصول نظم‌دهنده اجتماع توسط اصولی دیگر را مدنظر دارد.

در سومین رهیافت، توکویل توجه خاصی به مبارزات طبقاتی دارد، یعنی همان چیزی که بیش از آنکه جنبه سیاسی داشته باشد، در واقع دارای ماهیتی اقتصادی است. همین تعریف از انقلاب است که شالوده نظریه روان‌شناختی توکویل از انقلاب را تشکیل می‌دهد. همانگونه که مشاهده شد، مطالعه آثار

○ بر خلاف بسیاری از نظریه پردازان، توکویل برای توضیح پدیده‌ای به بزرگی و گستردگی انقلاب، قائل به علت واحد نیست و علل متعدد و متنوعی را در پدید آمدن آن سهیم می‌داند.

بعد از مطالعات عمیق روی جوامع دموکراتیک، بویژه جامعه آمریکا، توکویل به این نتیجه می‌رسد که در چنین جوامعی انقلابات بایستی نادر باشند زیرا «طبیعتاً نه تنها مردان دموکراسی، انقلاب را آرزو نمی‌کنند، بلکه از آن وحشت دارند».^{۱۲} با این همه و به‌رغم وجود و حضور با اهمیت اصل «شرایط مساوی برای همه»، چون یکی از ستونهای اصلی دموکراسی در آمریکا، جوامع دموکراتیک هم بطور کامل از خطر وقوع انقلابات در امان نیستند، زیرا در چنین جوامعی هم گاه اقلیتهایی یافت می‌شوند که در پی انقلابند و این «گروههای اقلیت گاه توان انجام چنین کاری را نیز پیدا می‌کنند».^{۱۳} در مورد آمریکا توکویل بیشتر به ارتش و بویژه به جامعه سیاهان اشاره و عنایت دارد. او این دو گروه را انقلابی یا دستکم دارای زمینه‌هایی مساعد برای پیگیری انقلاب می‌داند.

با پیش کشیدن مجدد اصل «شرایط مساوی برای همه»، محقق فرانسوی مسئله نژاد و تژادپرستی در آمریکا را مورد توجه قرار می‌دهد. به اعتقاد توکویل در جامعه آمریکا «نژاد سفید و نژاد سیاه هیچگاه نخواهند توانست در شرایط مساوی در کنار هم زندگی کنند».^{۱۴} و درست به همین دلیل است که «اگر روزی آمریکا بخواهد به سمت انقلابی بزرگ سوق یابد، این سیاهان خواهند بود که بدان مبادرت خواهند ورزید و آن

سال ۱۷۸۹ می‌نامد، اشاره کرد: «در میان علل فرعی انقلاب فرانسه تعیین‌کننده‌تر از زمستان ۸۹ نمی‌توان یافت».^{۱۸}

بدین‌سان برخلاف بسیاری از نظریه‌پردازان، توکویل برای توضیح پدیده‌ای به بزرگی و گستردگی انقلاب قائل به علت واحد نیست. او علل متعدد و متنوعی را در پدید آمدن این امر سهیم می‌داند. برخلاف بسیاری دیگران که ریشه‌های انقلاب را در فقر و ستم می‌جویند، توکویل با تکیه بر تحقیقات و مطالعات عمیق و علمی خود دربارهٔ جوامع و انقلابات، تأکید می‌کند که «همیشه چنین نبوده است که انقلابها در زمان وخیمتر شدن اوضاع پیش آمده باشند، بلکه برعکس انقلاب غالباً زمانی پیش می‌آید که مردمی که دیر زمانی با یک حکومت ستمگر بدون هیچ‌گونه اعتراضی کنار آمده‌اند، یک‌باره درمی‌یابند که حکومت فشارش را تخفیف داده است و آنگاه است که بر ضد حکومت دست به اسلحه می‌برند. از این رو، نظام اجتماعی‌ای که به وسیلهٔ یک انقلاب سرنگون می‌شود همیشه از نظامی اجتماعی که بلافاصله پیش از آن برقرار بوده است، بهتر است و تجربه به ما می‌آموزد که عموماً خطرناکترین لحظه برای یک حکومت بد، زمانی است که آن حکومت بخواهد روشهایش را اصلاح کند. تنها کار کشتگی در سیاست می‌تواند تاج و تخت پادشاهی را نجات دهد که پس از یک دوره طولانی فرمانروایی ستمگرانه بخواهد وضع رعایایش را بهبود بخشد. مردمی که مدتی دراز بدون هرگونه امید تلافی، بر دبارانه سیستم را تحمل کرده‌اند، هرگاه که امکان رفع آن ستم یکباره به ذهنشان خطور نماید، گلايه‌شان به ناشکیبایی تبدیل خواهد شد. همین که برخی از بدرفتاریها چاره می‌شود، توجه آنها به بدرفتاریهای دیگر جلب می‌شود و این بار این بدرفتاریهای دسته دوم سهمگین‌تر به نظر می‌آید. در این شرایط ممکن است مردم کمتر رنج بکشند اما حساسیت آنها شدیدتر شده است».^{۱۹}

همانگونه که مشاهده می‌شود، سخن توکویل صرفاً دربارهٔ انقلاب فرانسه نیست، بلکه لحن کلام او کاملاً کلی و ناظر بر همه انقلابهاست. بی‌شک این انقلاب فرانسه است که مبنای نظریه‌پردازانی توکویل قرار گرفته است، جایی که می‌گوید: «درست در آن نقاطی از فرانسه که شاهد بیشترین میزان بهبود زندگی بودند، ناخرسندی همگانی در

را هبیری خواهند نمود. در واقع این نه برابری شانس یا برابری شرایط برای همه، بلکه نابرابری شرایط زندگی خواهد بود که به انقلاب یا انقلابات اجازه ظهور خواهد داد».^{۱۵}

در رابطه با کلیت جوامع دموکراتیک، توکویل نه تنها پیشاپیش «تغییرات احتمالی در اصول نظم دهندهٔ این جوامع را اعلام می‌کند، تغییراتی که حامل تحولات عمیق اجتماعی است [تعریف انقلاب در هیافت اول توکویل]؛ بلکه پیش‌بینی بر خوردهای خشونت‌آمیز جدی در آینده را نیز می‌نماید [تعریف دوم وی از انقلاب]. به اعتقاد توکویل این برخوردهای خشونت‌آمیز نیز به نوبهٔ خود باعث تحولات اجتماعی قابل توجهی خواهند شد».^{۱۶} در واقع این روند و سیر تحول دموکراسی‌های صنعتی و نحوهٔ تقسیم کار در آنهاست که توکویل را وامی‌دارد تا اعلام کند که «این جوامع به خودی خود و با سرعت به سمت انقلابی در حرکتند که برای آنها خطر نابودی را به همراه خواهد داشت».^{۱۷}

نظریهٔ واقعی و نهایی توکویل دربارهٔ انقلاب، به‌هنگام مطالعه و تحلیل علل و نتایج انقلابات فرانسه است که شکل می‌گیرد. جستجوی ریشه‌های انقلاب فرانسه، توکویل را به سمت کشف علل دیرین و دلایل دور دست و تاریخی انقلاب در فرانسه رهنمون می‌گردد. اینجاست که اندیشمند فرانسوی دو دسته از علل انقلابات را از هم تمییز می‌دهد: علل نخستین و اصلی، و علل ثانوی و فرعی. تحت عنوان علل اساسی انقلاب توکویل عوامل زیر را برمی‌شمرد: از هم پاشیدگی بافت اجتماعی، شکاف طبقاتی، تخریب لایه‌های میانی و تقسیم افراد جامعه توسط پادشاه برای بهتر حکومت کردن بر آنها، جابه‌جایی جایگاه عوامل تعیین‌کننده‌ای چون به هم ریختگی و نابسامان شدن بخشهای متفاوت جامعه، اقدام برای رفع تبعیضها و برابری شرایط زندگی برای همه و مقاومت خشک و متحجرانهٔ سیستم سیاسی کهن در مقابل شرایط جدید اجتماعی، نضج‌گیری و رشد عقاید و افکار متافیزیکی قرن هجدهم و اشاعهٔ آن توسط فیلسوفانی که خود را پیام‌آور آن می‌دانستند، تمرکزگرایی سیستم سیاسی-اجتماعی در همه امور و سرانجام، شورشهای سرنویس ساز نجیب‌زادگان. از علل فرعی ذکر شده توسط توکویل می‌توان به آنچه که او زمستان

○ توکویل: انقلاباتی که با احساسات مردمی شکل می‌گیرند، بیشتر مطلوب و آرزو شده‌اند تا تدارک شده و از پیش برنامه‌ریزی شده. حتی آنها که ادعای طرح‌ریزی انقلابات را دارند در واقع جز سود بردن از آنها کاری نمی‌کنند.

○ توکویل: گمان
نمی‌کنم در فرانسه فردی
یافت شود که کمتر از من
انقلابی و بیشتر از من از آنچه
که روح انقلابی می‌نامند و به
راحتی با عشق به یک دولت
مستبد قابل جمع است
متنفر باشد.

2. Pierre Birnbaum, **Sociologie de Tocqueville**, Paris, Puf, p. 135.

3. **Ibid.**

4. A. (De) Tocqueville, *Lettre à Engéne Stofels* (5Dec 1836) in **Correspondance et Deuvres Posthumes**, par Michel Lévy, 1866, p.433.

5. François Chazel, "Les ruptures révolutionnaires", in **Traité de Science Politique**, vol. 2 (Les régimes Politiques Contemporains), sous la direction de Madeleine Grawitz et Leca Jean, Paris, Puf 1985, p. 649.

6. Perez Zagorin, "Theories of Revolution in Contemporary Historiography", **Political Science Quarterly**, vol. 88, No. 1, Mars 1973, p.29.

7. A.S. Cohan, **Theories of Revolution; An Introduction** London, Nelson 1975, p. 143-144.

این اثر به فارسی نیز ترجمه شده است: آلوین استانفورد کوهن، تئوری‌های انقلاب ترجمه علیرضا طیب، چاپ پنجم (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۵).

8. A. (De) Tocqueville, **Souvenirs**, p. 57.

9. A. (De) Tocqueville, *L'Ancien Régime et la Révolution*, tome 1, Paris, Gallimard, 1952, pp-65-66.

10. R. Aron, **Les Etapes de la Pensée Sociologique**, p.2.

11. A. (De) Tocqueville, **De la Démocratie en Amérique**, tome 2, Paris, Edition M. - T6. Génin, p. 349.

12. **Ibid.**, p. 345.

13. **Ibid.**, p. 350.

14. A. (De) Tocqueville, **De la Démocratie en Amérique**, tome 1., p. 372.

15. **Ibid.**, pp. 349-50.

16. Birnbaum, **op. cit.**, p.105-106.

17. **Ibid.**, p. 107.

18. A. (De) Tocqueville, **L'Ancien Régime**, tome 2., p. 137.

۱۹. آلکسی دو توکویل، انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن، ترجمه محسن ثلاثی (تهران: نشر نقره، ۱۳۶۹)، ص ۳۲۴.

۲۰. همان، ص ۳۲۳.

۲۱. طراح این نظریه جیمز دیویس می‌باشد که «منحنی J» وی از شهرت خاصی در این زمینه برخوردار است. در میان مدل‌های روانشناختی انقلاب می‌توان به نظریه «محرورمیت نسبی» تد رابرت گر نیز اشاره نمود. ر. ک. به کوهن، تئوری‌های انقلاب، پیشین.

اوج بود)». ^{۲۰} ولی تجربه زیاد و مطالعات متنوع و عمیق توکویل به او این جسارت علمی را می‌دهد که به نظریه‌پردازی جدی در این زمینه مبادرت ورزد.

بدین‌سان برای نخستین بار توکویل عملاً از عاملی به نام شکوفایی اقتصادی نام می‌برد که جوامع در آستانه انقلاب آن را تجربه می‌نمایند. چنین رشد سریع اقتصادی اگر پس از یک دوره طولانی سختی و رکود عارض شود، می‌تواند انقلاب‌ساز باشد. علت ظریف دیگری که از نگاه موشکاف توکویل پنهان نمی‌ماند، حساسیت تعیین‌کننده جوامع در حال تحول در قبال برخی روحيات و سیاستگذاران بیهوش انسان‌دوستانه و مسالمت‌آمیز رژیم‌های پیش از انقلاب و حکام آنهاست. به اعتقاد او رژیم‌های پیش از انقلاب با در پیش گرفتن برخی سیاستهای مدارا پس از یک دوره فشار و سختگیری، در واقع جوامع مستعد خود را به سمت انقلاب سوق می‌دهند. نکته باریک دیگری که توکویل بدان می‌پردازد قضیه ملحق شدن بخشی از نخبگان (Elite) جامعه به مردم ناراضی و گلابه‌مند در کوران انقلابی است؛ یک بخش از طبقه حاکم متقاعد می‌شود و به عللی چند داوطلبانه در کنار انقلابیون مخالف رژیم قرار می‌گیرد. این امر بی‌شک سقوط رژیم حاکم را تسریع می‌کند و پیروزی انقلاب و انقلابیون را تسهیل و قطعی می‌نماید.

به دلایل فوق شاید بتوان نظریه توکویل را نظریه‌ای دانست که در حدفاصل نظریات مارکس و پارتو قرار می‌گیرد. زیرا نظریه این اندیشمند فرانسوی از یک سو دارای نوعی دیدگاه و تحلیل اقتصادی است، و از سوی دیگر به نقش نخبگان، چگونگی عمل آنها و تأثیری که در شکل‌گیری انقلاب دارند عنایت خاص می‌کند. در هر حال نباید فراموش کرد که پس از حدود یک قرن، نظریه توکویل درباره انقلاب مبنای یکی از نظریات روانشناختی انقلاب (نظریه توقعات فزاینده) ^{۲۱} قرار گرفته است و از او عملاً به عنوان بنیانگذار واقعی نظریات روانشناختی انقلاب یاد می‌شود.

یادداشت‌ها

1. Melvin Richter, "Tocqueville's Contributions to the Theory of Revolution", in **Revolution**, Edited by Carl J. Friedrich, p. 75.